

چگونه غرب از ملت‌های خود به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهدافش استفاده می‌کند؟

به نام اروپا به کام آمریکا

پنینه شعبان مشاور ارشد رئیس‌جمهور سوریه

پیگیری گفت‌وگوها و نتایج گروه هفت (هفت کشور صنعتی جهان) که چند روز پیش در آلمان و نتایج نشست ناتو که اخیراً در اسپانیا برگزار شد، نتایج شهرت‌دان غربی را به پرسش‌های عمیق نسبت به آینده غرب وادار کرده است و چه بسا با پاسخ‌هایی که دریافت می‌کنند، ناامید خواهند شد.

رهبران در دو دیدار مهم هیچ یک از دغدغه‌های شهروندان کشورهایی را که قرار است نمایندگی آنها را برعهده داشته باشند نداشتند، بلکه دغدغه‌هایی داشتند که به شهروندانشان مربوط نمی‌شد و تنها بر زندگی آنها تأثیر منفی می‌گذاشت؛ به جای پرداختن به مسأله فقر و چالش‌های موجود شهروندان، تمرکز رهبران G۷ بر «آفتاب گرفتن پوتین» بود آنها به‌دنبال به سخره گرفتن پوتین بودند اما وی در یک کلیپ یک دقیقه‌ای پاسخ آنها را داد که بازتاب رسانه‌ای زیادی داشت.

آنها سپس «روسیه را یک تهدید مستقیم برای کشورهای وابسته به ناتو در نظر گرفتند» و از چین به‌عنوان چالشی برای ارزش‌ها و منافع (ناتو) نام بردند. آنها همچنین تعمیم مشارکت راهبردی چین و روسیه را مغایر با ارزش‌ها و منافع کشورهای غربی دانستند، با علم به اینکه همه از درد و رنج مردم غربی از تورم ناشی از سیاست‌های این رهبران آگاه هستند.

زمانی که بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا از متحدان خواست تا «به جیب‌های خود نگاه کنند»، می‌توان انتظار داشت که او مشتاق رسیدگی به برخی جنبه‌های بحران اقتصادی خفقان آور بریتانیا باشد، (انگلیس به‌دلیل قیمت‌های بالا و کمبود مواد و خدمات بهداشت با چالش‌های اقتصادی مواجه شده است) ۳ میلیارد پوند برای ارسال اسلحه به دولت ولودیمیر زلنسکی در اوکراین به منظور ویران کردن کشورش و آواره کردن میلیون‌ها نفر از مردم آن، پرداخت کرد. ایالات متحده ۸۰۰ میلیون دلار اضافی برای ارسال سلاح به اوکراین

جوایه دانشگاه هنر اصفهان

روزنامه ایران در مطلبی با عنوان «۸۷ درصد زنان فرانسوی مورد تعرض قرار می‌گیرند» در صفحه ۶ شماره ۷۹۳۶ به ابعاد نامنی زنان در فرانسه پرداخت و نویسنده در انتهای مطلب، به طرح مسأله‌ای درباره برخی دانشگاه‌های هنر ایران پرداخته بود. بر همین اساس دانشگاه هنر اصفهان، در پاسخ به مطلب فوق‌الذکر و در راستای تبیین موضوع، در مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۲ متنی را به دفتر روزنامه ارسال کرده است. ابتدا بخش‌هایی از این جوایه آورده می‌شود و سپس توضیحاتی ارائه می‌گردد.
بخش هایی از جوایه دانشگاه هنر اصفهان: «تاملی در تاریخ تأسیس دانشگاه‌های هنر نشان می‌دهد این دانشگاه‌ها بیشترین دوران عمر خود را در دوره نظام مقدس جمهوری اسلامی سپری کرده و تلاش نموده‌اند منطبق بر آموزه‌های اسلامی و انقلابی، دانشجویان متخصص و متعهد تربیت نمایند تا هنر متعالی خود را در خدمت نظام و انقلاب قرار دهند. واقعیت این ادعا با تحقیق در نقش فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های هنر هویدا می‌شود. گرچه سرفصل برخی از رشته‌های دانشگاه‌های هنر هم مانند دانشگاه‌های علوم انسانی و فنی مهندسی، منطبق با رشته‌های غربی است، اما در دوران پریرکت انقلاب اسلامی، سرفصل و محتوای اغلب رشته‌ها متناسب با فرهنگ و هنر ایرانی – اسلامی تدوین شده است. در عین حال در همان رشته‌هایی که به زعم نویسنده محترم مقاله، به‌شدت غرب زده‌اند، در شرح درس خود متناسب با ایران و اسلام گنجانده‌اند؛ واحدهایی چون هنر اسلامی، حکمت هنر اسلامی، هنر و تمدن اسلامی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و... بسیاری از رشته‌ها اساساً ماهیت ایرانی و اسلامی دارند از قبیل صنایع دستی، فرش، کتابت و نگارگری و هنر اسلامی که تا مقطع دکتری در برخی از رشته‌ها ادامه می‌یابد. چگونه ممکن است که چنین رشته‌هایی

ریشه ایرانی و اسلامی نداشته باشند؟

... به نمایندگی از دانشگاهیان شریف و ارجمند دانشگاه هنر اصفهان، بر نقش برجسته دانشگاه‌های هنر در تبیین و ترویج هنر ناب اسلامی و انقلابی در ۴۰ سال گذشته تأکید می‌کنیم و با یاد آوری خیل عظیم هنرمندان متخصص، متعهد و انقلابی که در این دانشگاه و دیگر دانشگاه‌های هنر تربیت شده‌اند و شهیدان سرفرازی که از دانشگاه‌های هنر علم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدند و با یاد آوری سردار شهید بهروز مرادی دانشجوی شهید دانشگاه هنر اصفهان و راوی بزرگ فتح خرمشهر که هنوز آثار هنری‌اش بر دو دیوار خرمشهر خودنمایی می‌کند، از آن روزنامه محترم می‌خواهیم نسبت به توضیح و اصلاح ذهنیت ایجاد شده در بین دانشگاهیان متعهد دانشگاه‌های هنر همت گمارند.»

پاسخ «ایران»: باید توجه داشت که مطلب منتشره از همان ابتدا با تحریف برخی رسانه ها، به دستاویزی برای هجمه‌های رسانه‌ای تبدیل شد و برخی رسانه‌ها با به انحراف کشیدن اصل موضوع و تلاش برای جنجال‌سازی سعی کردند اهداف رسانه‌ای خود را به پیش ببرند. در این رابطه چند نکته قابل ذکر است؛

اول آنکه مطلب مورد اشاره به دانشگاه خاصی اشاره نکرده است و جامعه هدف آن برخی دانشگاه‌های هنر بوده‌اند. همچنین منظور از عبارت دانشگاه‌های هنر نه دانشگاه‌هایی با نام خاص هنر بلکه دانشگاه‌هایی بوده که عمدتاً رشته‌های هنری را در سرفصل‌های آموزشی خود گنجانده‌اند و عبارتی عام است. دوم، گزاره مطرح شده درباره دانشگاه‌های هنر در مطلب مورد اشاره، با استناد به مطلبی با عنوان «جامعه ایران برای فعالیتهای زنان، فرهنگی‌تر و امن‌تر از فرانسه» با شناسه ۱۸۱۷ در وبگاه «معاونت امور زنان و خانواده» نگاشته شده که در آن ضمن بررسی پژوهش دانشگاه تهران درباره وضعیت زنان در ایران، به موضوع دانشگاه‌های هنر نیز اشاره شده است. سوم آنکه بخشی از گزارش‌های مورد اشاره، در اخبار منتشره در خبرگزاری‌های معتبر قابل بررسی و پیگیری است؛ نتیجه‌گیری از اخبار منتشره درباره موضوع مورد بحث، توسط نگارنده صورت گرفته و نسبی بوده است؛ در عین حال شیوه جمله‌بندی نگارنده مطلب ممکن است سو-تفاهم‌هایی ایجاد کرده باشد که در این مطلب توضیحاتی در جهت رفع آن‌ها ذکر شد. در پایان با تأکید بر اینکه در مطلب مورد اشاره، از هیچ دانشگاهی نام برده نشده، از این رو درج این پاسخ، صرفاً براساس درخواست آن دانشگاه محترم و به منظور آگاهی خوانندگان صورت گرفته است.

چهارم، خاطر نشان می‌شود که جنجال‌سازی‌های برخی رسانه‌های مغرض پیرامون مطلب، سبب شده تا اصل موضوع به حاشیه برود و به نظر می‌رسد که مسئولان آن دانشگاه نیز تحت تأثیر این جنجال‌سازی‌ها قرار گرفته و به اصل موضوع چندان توجهی نشده است. بدیهی است که طراحی سرفصل‌های درسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا حال حاضر تحول قابل توجهی داشته و گنجاندن سرفصل‌های درسی مرتبط با هنر اسلامی قابل انکار نیست. اما متن ارسال شده از سوی آن نهاد نیز همچنان به برخی مسائل پاسخ ندهاده است؛ برای نمونه جای طرح این سؤال وجود دارد که چرا رشته تعزیه با وجود اصالت و قدمتی که دارد هنوز در دانشگاه‌های هنر چندان جایگاهی را به خود اختصاص ندهاده است. روشن است که این سؤال تنها یک نمونه از مسأله‌ای کلان است و صرفاً جنبه طرح بحث دارد.

اعلام کرد و این فهرست ادامه دارد، اما به طور خلاصه، تمام تمرکز بر دریافت پول برای ارسال سلاح به اوکراین است، زمانی که روسیه اعلام کرده است، تنها راه برای پایان دادن به جنگ در اوکراین، دستور به گیلان‌های نازی اوکراینی برای زمین گذاشتن سلاح است.در حالی که چین اظهار داشت که ناتو به ایجاد دشمنان خیالی، جنگ و غلات را که به تولید سودمند برای مردم خود و کل جهان مشغول هستند و نیز فراموش می‌شوند، می‌خرند انسان‌ها از ایجاد یک ساوکار برای پایان دادن به جنگ مهم‌تر است).

اگر گامی به عقب برداریم و آغاز این جنگ و نظر مهم‌ترین نظریه‌پردازان سیاسی جهان امروز، پروفیسور جان میرشایمر را در نظر بگیریم، بدون هیچ تردید متوجه می‌شویم که غرب خواستار این جنگ بوده و آن را ادامه می‌دهد.غربی‌ها به هیچ وجه نمی‌خواستند بحران اوکراین از طریق مذاکره و گفت‌وگو حل شود،بلکه به‌دنبال آن بودند که بتوانند از این جنگ نهایت استفاده را ببرند. گویی که غرب به‌دنبال این بود که روسیه را وارد جنگ کند و غرب روسیه را در معرض تهدید وجودی قرار داد، بنابراین چاره‌ای جز این نداشت. در دو نشست اخیر یعنی G۷ و نشست ناتو، این‌طور به نظر می‌رسد که غربی‌ها دغدغه‌ای جز گرفتن پول از مردم خود برای پرداخت هزینه‌های تسلیحات ارسالی به اوکراین ندارند. نتیجه نشست G۷، علاوه‌بر اظهار نظر در مورد آفتابگیری پوتین، «متعهد شده است که روسیه بهای سنگینی برای تهاجم خود به اوکراین خواهد پرداخت»، در حالی که در واقعیت، اقتصاد این کشورها با چالش‌های جدی مواجه شده است و کشاورزی، تولیدات صنعتی و خدماتی رو به کاهش است.

در یک تحلیل منطقی و به دور از بازی‌های رسانه‌ای حاصل از این دو نشست که باید برای مردم کشورهای مربوطه و برای کل جهان بسیار مهم باشد، واقعیت این است که کشورهای ناتو تمام پول‌های اسلحه مردم خود را برای راه‌اندازی کارخانه‌های اسلحه‌سازی در کشورهای خود، به جای هدایت ثروت و بهره‌برداری از آن در یک

اقتصاد مولد و بهبود شرایط مردم خود، وقف کرده‌اند. همه این واقعیت را نادیده می‌گیرند که هر کس سلاح برای کشتار انسان‌ها و جنگ افروزی می‌فروشد، دارای ثروتی ناسالم خواهد بود. از چین، روسیه، هند و سایر کشورهای جهان کالاها، کودها، اجناس و غلات را که به تولید سودمند برای مردم خود و کل جهان مشغول هستند و نیز فراموش می‌شوند، می‌خرند و صنایع نظامی خود را تقویت می‌کنند، زیرا ثروت تولید شده توسط آنها ثروت دیجیتال است نه محصولات، کالاها و خدماتی که به نفع مردم باشد، در حالی که اقتصاد چین بر پایه تولید کالا است و ثروت آن کالایی در بازارهایی است که مردم به آن نیاز دارند.

امپراطوری‌ها در طول تاریخ سقوط کرده‌اند، زیرا هزینه‌های اداره ارتش‌ها در آنها از منابعی که اقتصاد می‌تواند فراهم کند، بیشتر است. این مستدقعات خود انگلیس است که از مستدقعات خود عقب‌نشینی کرد ،زیرا قادر به مدیریت آنها نبود و نتوانست هزینه ارتش‌های خود را که در همه جا مستقر شده‌اند بپردازد، همان‌طور که امروز در مورد ایالات متحده وجود دارد.کسی که در مورد همه چیزهایی که از سوی گروه هفت و ناتو صادر شده است بخوبی تعمق می‌کند، متوجه می‌شود که به‌واقعیت اقتصادی و مالی این کشورها کاملاً مشابه اوکراین است و نمی‌توانند در برابر پوتین می‌دانند و هر زمان که در رهبران آن را شکست دهند.

آنها نمی‌توانند عقب‌نشینی کنند ،زیرا آن را پایان سلطه خود بر جهان می‌دانند و بنابراین به فقیر کردن مردم خود ادامه می‌دهند تا از جنگ سازنی که بوده‌تبلوغات انتخاباتی آنها را تأمین می‌کنند سلاح بخرند و این بار آنها را

”



ایران

اجلسیة گروه جی ۷

واقعیت این است، کشورهای ناتو تمام پول‌های مردم خود را برای راه‌اندازی کارخانه‌های اسلحه‌سازی در کشورهای خود، به جای هدایت ثروت و بهره‌برداری از آن در یک اقتصاد مولد و بهبود شرایط مردم خود، وقف کر ده‌اند. همه این واقعیت را نادیده می‌گیرند که هر کس سلاح برای کشتار انسان‌ها و جنگ افروزی می‌فروشد، دارای ثروتی ناسالم خواهد بود. از چین، روسیه، هند و سایر کشورهای جهان کالاها، کودها، اجناس و غلات را که به تولید سودمند برای مردم خود و کل جهان مشغول هستند و نیز فراموش می‌شوند، می‌خرند و صنایع نظامی خود را تقویت می‌کنند

شده یا به صورت منزوی به تصویر کشیده شده‌اند. آیا خنده‌دار نیست که «جان میرشایمر» یک اندیشمند سیاسی و یکی از مهم‌ترین متفکران سیاسی قرن حاضر، «منفوترین دانشگاهی در ایالات متحده» به حساب می‌آید؟ خداوند تبارک و تعالی در قرآن فرموده است: «چشم‌ها کور نمی‌شوند، بلکه دل‌هایی که در سینه‌ها هستند کور می‌شوند.»

صخره کوهی سخت، پایه‌گذاری اش می‌کند؟ و سؤال دوم: آیا در غرب متفکران، تحلیلگران و استراتژیست‌هایی وجود ندارند که بتوانند زنگ خطر را به گوش نخبگان سیاسی غربی که کشورها و مردم خود را به سوی سرنوشت محتوم خود سوق می‌دهند به صدا در آورند؟ شکی نیست که آنها وجود دارند، اما طرد شده‌اند، بینش هایشان کنار گذاشته

هزینه‌ها می‌توانند در قیمت‌ها بسیار رقابتی باشند، در حالی که صنایع غربی به‌دلیل قیمت‌های بالا قادر به رقابت نخواهند بود؛ سوخت، کمبود صادرات به غرب و گرانی. سؤال واضح این است که کلیدهای آینده در غرب در اختیار کیست؟ آیا این بدان معناست که صنایع چین و هند در سال‌های آینده جهش کوانتومی شن‌های روان می‌سازد یا کسی که بر

چگونه فرهنگ سیاسی می‌تواند توان بازدارندگی غیرنظامی را افزایش دهد؟

هویت ملی؛ حلقه مفقوده الگوی توسعه وارداتی



عکس: ابراهیم حدادی

” فرهنگ ملی رکن اصلی بازدارندگی غیرمادی است و از پایه‌های استقلال ملی به‌شمار می‌رود. به همین خاطر گاه گفته می‌شود که مردم باید از فرهنگ خود همانند سرزمین خود، دفاع کنند. در طراحی برنامه‌های توسعه با رویکرد تقویت بازدارندگی غیرمادی آنچه اهمیت دارد، توجه به هویت‌های ملی است. هیچ الگوی توسعه وارداتی را نمی‌توان به کار برد، مگر آنکه با ویژگی‌های محلی، منطقه‌ای و ملی هماهنگی داشته باشد و اساساً نمی‌توان هیچ الگویی را صرفاً از دل آن هستند؛

این روندها چه اتفاقی برای هویت می‌افتد. جهانی‌شدن امری طبیعی، تدریجی و متعاقب آن نظریه‌های آمینیتی به‌منظاره سوم و چهارم و ورود نظریه‌های «سازهانگاری» و «فرانوگرایی» که از ابعاد محدودیت خارج می‌شود و به سوی وسیع‌ویشری‌شدن سیرمی‌کند؛ اما جهانی‌سازی، از آنجا که امری دفعی و تحمیلی است که قدرت‌هایی متکبرانۀ، از طریق آن فرهنگ، سیاست و... خود را بر دیگران تحمیل می‌کنند، هویت فردی را مستحیل، ملی را مخدوش و مذهبی را وارونه می‌کند. در نتیجه جهانی‌سازی سبب بحران هویت و ازخودبیگانگی می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت آن چیزی که رکن فرهنگ ملی به حساب می‌آید، «هویت» است که برخاسته از آموزش‌های مشترک ملی، پذیرش همزیستی مسالمت‌آمیز با سایر فرهنگ‌ها، فهم تاریخی از خاستگاه

باید از فرهنگ خود همانند سرزمین خود، دفاع کنند. در طراحی برنامه‌های توسعه با رویکرد تقویت بازدارندگی غیرمادی آنچه اهمیت دارد، توجه به هویت‌های ملی است. هیچ الگوی توسعه وارداتی را نمی‌توان به کار برد، مگر آنکه با ویژگی‌های محلی، منطقه‌ای و ملی هماهنگی داشته باشد و اساساً نمی‌توان هیچ الگویی را تحمیل کرد.

توسعه واقعی بدون توجه به بعد فرهنگ ملی و احترام به هویت فرهنگی ملت‌ها تحقق نخواهد یافت. عموم فرهنگ‌های ملی مبتنی بر سنت‌ها و شعائر تاریخی و دیرپایی هستند که با تحولات مختلف، بازسازی شده و چهره‌های نوینی به خود می‌گیرند و دولت‌هایی که در چهارچوب این فرهنگ‌ها شکل می‌گیرند دولت‌های نسبتاً پایدارتری خواهند بود.